



دوست من جان پول کتاب فوق العاده ای نوشته است که به من کمک کرد رهبران خدمتگزار آینده را تربیت کنم. در اینجا خلاصه ای از اصولی است که ما در توسعه پرورش معنوی آنها استفاده می کنیم.

رویای خدا

خدا به عنوان پدر، برنامه ای شگفت انگیزی برای جهان و جامعه ما دارد. او افرادی را برای برقراری ارتباط و زندگی در آن برنامه انتخاب می کند. ما می توانیم در طرح شگفت انگیز او شرکت کنیم. خداوند برای هر یک از ما در رویای خود جایی دارد.

همانطور که ما به دنبال رویای خدا و مقصد زندگی خود هستیم، برکتی را برای زندگی ما به ارمغان می آورد. نقشه نهایی او عملی خواهد شد. ما می توانیم بخشی از آن باشیم، اما ما می توانیم این را نیز برگزینیم که این کار را نکنیم.

طبیعتاً افراد همیشه قابل اعتماد نیستند و می توانند وسوسه شوند که راه های دیگری را انتخاب کنند.

مربی و استاد

خوشبختانه، خداوند افرادی را فراهم می کند که می توانند به ما کمک کنند تا پیروان بالغ او شویم و در برنامه او برای زندگی ما گام برداریم.

پنج حوزه وجود دارد که مربیگری می تواند در آنها اتفاق بیفتد تا در رویای خدا برای زندگی خود قدم برداریم و به خصوص به قدم برداشتن خود در آن ادامه دهیم.

۱. با خدا راه رفتن

۲. با گذشته کنار آمدن

۳. تقویت شخصیت ما و به ویژه تقویت شخصیت خداوند در ما

۴. ایمان

۵. استعدادها و هدایای تان را بشناسید و از آنها استفاده کنید

۱. رهبران خدمتگزار با خدا گام بر میدارند

➤ اعمال رسولان ۷: ۲- ۳

ابراهیم این توانایی را داشت که به صدای خدا گوش دهد و سپس آنچه را که از خدا شنیده بود انجام دهد.

➤ اعمال رسولان ۱۰: ۱۷- ۲۲

پطرس رؤیایی دید و تعجب کرد که خدا چه می خواهد بگوید، و همانطور که در مورد آن فکر می کرد، روح خدا با او صحبت کرد. پطرس قادر بود آنچه را که روح به او گفته بود بشنود و انجام دهد.

➤ اعمال ۸: ۲۹- ۳۵

فیلیپس سخنان روح را شنید و توانست متن عهد عتیق را توضیح دهد.

به عنوان یک رهبر خدمتگزار، مهم است که تنها داستان خود را تعریف نکنید، بلکه مهم است که کسی را که شما را می فرستد، نیز بشناسید! کلام خدا در شما قدرت خواهد داشت. دانستن سخنان او و عمل به آنها به ما کمک می کند تا با خدا قدم برداریم.

سخنان او باعث محبت و آرامش میشود. از طریق سخنان او ما در امان هستیم و اعتماد به نفس ما افزایش مییابد.

۲. رهبران خدمتگزار با گذشته خود سروکار دارند

➤ اعمال ۹: ۱۰-۱۹

پولس ابتدا به عنوان آزار دهنده مسیحیان اولیه شناخته می شد. وقتی استیفان را سنگسار می کردند، او در آنجا حاضر بود. او یک یهودی متعصب و بنیادگرای شناخته شده بود. هیچ کس به پولس اعتماد نداشت. خوشبختانه مرد خدا باوری به نام حنانيا وجود دارد که جرأت می کند نزد پولس برود. پولس نابینا بود، اما خدا را ملاقات کرده بود.

➤ اعمال رسولان ۹: ۲۶-۲۸؛ غلاطیان ۱: ۱۳-۱۸

بارنابا به پولس کمک می کند تا از گذشته خود رهایی یابد. در نامه های پولس می خوانیم که او از آن دوره زندگی خود بسیار پشیمان است. او باید خودش را می بخشید و از دیگران طلب بخشش میکرد.

تلخی

➤ یعقوب ۳: ۹-۱۶

یعقوب به این اشاره می کند که ما باید با تلخی ها در قلب خود مقابله کنیم. اگر نه این موجب بی نظمی و کینه توزی و خودخواهی خواهد شد.

بنابراین عاقلانه خواهد بود که هر کس به طور منظم قلب خود را بررسی و ارزیابی کند.

طرد شدن

عیسی توسط بسیاری از مردم طرد شد. با این حال، هویت او مانند صخره محکم بود. اعمال او هرگز تحت تأثیر درد طرد شدن قرار نگرفت. عیسی می دانست که چگونه آن را اداره کند. خودت چطور؟

"مارتا"

او شامل تیمی بود که من با خود به شهر آلماتی قزاقستان بردم. او برای اولین بار روی سٹیژ داستان وحشتناک خود را گفت. همانطور که مترجم داستان او را به زبان روسی ترجمه میکرد، درد عظیمی که در زندگی او وجود داشت را درک کردم. او سال ها توسط یکی از اعضای خانواده و سپس توسط یک رهبر روحانی مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته بود. اشک بر گونه های بسیاری از ایماندارانی که این داستان را می شنیدند جاری شد. خود مارتا هم گریه میکرد. هیچ تلخی برای دیدن و شنیدن وجود نداشت. داستان او حامل پیام بخشش بود. این به او آزادی جدیدی داد. کشیش محل نزد من آمد و گفت که او آن معصومیت و پاکی را می خواهد که در این زن دیده است.

در درس های سمینار ۵ و ۶ به شما نشان داده خواهد شد که چگونه با گناه، درد و الگوهای اشتباه آمیز گذشته خود کنار بیایید. بگذارید روح القدس شما را راهنمایی کند که با این درس ها شخصاً چه کاری باید انجام دهید.

۳. رهبران خدمتگزار برای دسترسی به شخصیت الهی تلاش می کنند

➤ اول سموئیل ۱۵

در این داستان غم انگیز، رهبری به نام شاوول را می بینیم که از طرف خداوند به پادشاهی منصوب شده است. شاوول به دستوراتی که می گیرد عمل نمی کند. مگر

او به خواسته های مردم به ویژه در لحظات سخت گوش می دهد (آیه ۲۴). او همچنین به سموئیل نیمه حقیقت را می گوید (آیه ۱۳).

هنگامی که شاوول برای توبه به زمین می افتد، از سموئیل می خواهد که او را در مقابل مشایخ قوم سرزنش نکند. تشویش او به آبروی خودش بیشتر از اطاعت به خداست. (آیه ۳۰)

➤ یوحنا ۲۱

پطرس قول داده است که همیشه از عیسی پیروی و از او دفاع کند. وقتی بالای سر سختی می آید و مورد بازجویی قرار میگیرد، او دروغ می گوید و خودش را لعنت میفرستد. او می گوید که عیسی را نمی شناسد!

با این هم ما توبه را در پطرس می بینیم. او از داخل میشکند. به محض زنده شدن دوباره عیسی، پطرس فرار نمی کند، او فقط به سمت استادش می دود و احیای مجدد در قبال دارد.

رشد در شخصیت الهی بدین معناست که شخص روز به روز بیشتر شبیه به استاد می شود. این بدان معنا نیست که خیلی تلاش کنید تا کاپی ای از عیسی شوید. درینصورت قدرت خود شما شکست خواهد خورد. اگر در این کار شکست خوردید، سعی نکنید که پنهان کاری کنید، بلکه شکست خود را قبول کنید و برای احیای مجدد نزد عیسی بازگردید.

قدرت الهی زمانی در ما پدیدار می شود که اجازه دهیم تا قدرت خودمان در ما بشکند، آنگاه هرچه بشکل بهتر آن صورت خواهد گرفت.

۴. رهبران خدمتگزار با ایمان خدمت می کنند

➤ عبرانیان ۱۱: ۶، ۷، ۸، ۱۱، ۲۹، ۳۰

در فصل ۱۱ عبرانیان می بینیم که از مردان و زنان خدا نام برده شده است. این درباره اعمالشان است که با ایمان انجام داده اند. معمولاً خداوند چیزی از آنها می خواست که یا ناممکن بود یا هم خیلی دشوار بود.

- نوح کشتی ساخت که بعداً با خانواده اش در آن نجات یافت. (آیه ۷)
- ابراهیم وطن خود را ترک کرد و مجبور شد برای زندگی به کشوری ناشناخته ای برود. (آیه ۸)
- ساره در حالی که نازا بود باردار شد. (آیه ۱۱)
- موسی با تمام قومش از دریای سرخ سالم عبور نمود و دشمن در همان دریا غرق شد. (آیه ۲۹)
- دیوارهای اریحا زمانی سقوط کرد که مردم تحت رهبری یوشع به مدت هفت روز دور آن گشتند. (آیه ۳۰)

این فهرست همچنین شامل افرادی است که به قتل رسیده و شکنجه شده اند. آنها هرگز ایمان شانرا ندیدند که بر روی زمین برآورده شده باشد. خدا چیز بهتری را پیش بینی کرده بود. دیگران با فداکاری که کرده بودند برکت یافتند.

➤ یعقوب ۲: ۱۸

یعقوب ایمان و عمل را به هم پیوند می دهد. وقتی خدا با ما حرف می زند، از ما عمل نیز می خواهد. با این کار شما برکاتی را نصیب خواهید شد که او برای شما و کسانی که در قلمرو شما هستند، در نظر گرفته است. کتاب مقدس هرگز وعده

پیروزی آسان را نمی دهد، برعکس، وقتی در راه خدا گام برمیداریم، با مخالفت های زیادی مقابل میشویم. برای خدا مهم نیست که به هدفتان میرسید یا نه، مهم این است که چطور به هدفتان میرسید! ایمان باعث شادی خداوند می شود. کسانی که او را می جویند از جانب او پاداش می گیرند.

ضمیمه ۱ داستان یوسف را بیان می کند، چگونه او از یک برده به مقام درجه دوم سلطنت تبدیل شد و درس هایی که برای رسیدن به آنجا لازم بود باید می آموخت.

۵. رهبران خدمتگزار هدایا و استعدادهای خود را می شناسند

موسی رهبری بود که ابتدا با استفاده از نیروی خود کوشید راه حلی برای قومش بیابد. او مشکل برده داری را دید و وقتی سردسته برده ها یکی از افرادش را زد بسیار عصبانی شد. او به جانب داری ازین برده عبرانی، سردسته برده ها را به قتل رسانید.

در نتیجه موسی مجبور به فرار شد. او چیزی به دست نیاورده بود.

۴۰ سال بعد، موسی فهمید که او کی نیست، خدا کی است و استعدادها و هدایای او چه است.

● او کی نیست.

او در موقف فرعون قرار ندارد که هرچه خواسته باشد، دیگران برایش انجام دهند.

● خدا کی است.

موسی فهمید که خدا کی است. خداوند قادر است هر کاری را انجام دهد که موسی قادر به انجام آن نیست. موسی فهمید که خدا می خواهد به او نیرو بدهد. او یاد گرفت که به صدای خدا گوش دهد.

● استعدادها و هدایای او چه است.

در بیابان او بصورت طبیعی یاد می گیرد که چگونه از گله اش پاسبانی کند. او یاد گرفته است که گوسفندها را از جایی به جای دیگر منتقل کند. او یاد گرفته است که یک گله کامل را سیر کند. او زندگی کردن در بیابان را می آموزد.

ضمیمه ۲ شامل تعدادی تست های ساده است که می توانید از آنها برای به دست آوردن بینش بیشتر در مورد استعدادها و هدایای خود، ویژگی های شخصیت قوی و شرایط کاری مورد نظر خود استفاده کنید.

تکلیف

یکی از پنج نکته ذکر شده در بالا را انتخاب کنید و سپس زمانی را برای شروع کار روی آن در زندگی خود اختصاص دهید. روح خدا میخواهد کدام یک ازین پنج نکته را در آینده در زندگی شما به کار گیرد؟ شاید برای حل یکی از پنج نکته زندگی خود به کمک نیاز داشته باشید. از چه کسی می توانید کمک بخواهید؟

